

تحلیل کیفی پدیده «گرو» (ازدواج فرارگونه) در روستای گرو*

احمد صادقی^۱

یوسف ادیبان^۲

مسعود ایمانیان^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی، توصیف و فهم پدیده «گرو» یا ازدواج فرارگونه در روستای گرو از توابع شهرستان کلات انجام شده است. به این منظور از روش نظریه زمینه‌ای (GT)، به عنوان یک روش تفسیری استقرایی که مبتنی بر کدبندی داده هاست، استفاده شده است. این بررسی یک مطالعه کیفی است که در آن از تکنیک‌های مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. میدان تحقیق در این پژوهش روستای گرو می‌باشد و مشارکت کنندگان، دختران و پسران نوجوان و جوانی هستند که اقدام به «گرو» (گرو) را تجربه کرده‌اند. همچنین برای فهم بهتر و عمیق‌تر پدیده «گرو» و تکمیل شناخت، اطلاعاتی از تعدادی از افراد مقیم و ساکن روستا، والدین دختران و پسران فرارکرده به قصد ازدواج، اعضای خانواده‌شان، اقوام و دوستان نزدیک آنان اخذ شده است. در این تحقیق از نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. در تحلیل اطلاعات، یافته‌های به دست آمده به ۷ مقوله عمده تقسیم شده که عبارتند از: تضاد نسلی، نگاه ابزاری و «گرو»، نقش آفرینی عناصر نوسازی، عشق رمانتیک، چشم و هم چشمی، یادگیری و تقویت، و مراسم عروسی (طوی = Toy) در گرو. مقوله هسته‌ای این بررسی «کنشگران مدرن در قالب سنت» است که مقولات عمده فوق را دربر می‌گیرد. یافته‌ها حاکی از آن است که ناسازگاری میان ساختار سنتی روستا و کنشگران اجتماعی شده دوران مدرن، در حوزه خانواده و ازدواج، پدیده «گرو» را به وجود آورده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد، این نوع ازدواج در قالب هیچ کدام از دسته‌بندی‌های رایج از انواع ازدواج جای نمی‌گیرد. در نهایت، نظریه برآمده، در قالب یک مدل زمینه‌ای شامل سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدها که خود بیانگر نظریه زمینه‌ای نهایی می‌باشد، ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: «گرو»، نظریه زمینه‌ای، روستای گرو، سنت و مدرنیته.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵

۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران asadeghi1528@gmail.com

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

۳- گروه جامعه‌شناسی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

۱- مقدمه و بیان مسأله

ازدواج یکی از اصلی‌ترین موضوعات و مسائل مطرح خانواده در جامعه ایرانی است. از میان مسائل و موضوعات متعددی چون سابقه، مراحل، گوناگونی‌ها، سلامت، تحصیل، اشتغال و همسرگزینی از نظر والدین ازدواج برای آینده و سلامت فرزندان و بقای خانواده اهمیت بیشتری دارد. به همین دلیل یکی از دغدغه‌های اصلی بیشتر خانواده‌های ایرانی یافتن زوج مناسب و سازگار برای فرزندان‌شان است. به لحاظ فرهنگی و اجتماعی بی‌توجهی والدین نسبت به ازدواج فرزندان امری ناپسند به شمار می‌رود. زیرا در اندیشه‌ی ایرانی بقای خانواده در گرو بقا و ساماندهی ازدواج است (آزادارمکی: ۱۳۸۶؛ ۱۱۸).

با توجه به ورود فرهنگ به حریم زوجیت می‌توان گفت ازدواج به تمام معنا یک پدیده‌ی اجتماعی است علی‌الخصوص که تحت نظارت دقیق و در مواردی نگران جامعه صورت می‌گیرد. وجود قواعد سخت و دقیق ناظر بر ازدواج در طول تاریخ گواه همین مدعاست، یعنی حضور دائمی جامعه در کار زوجیت و کوشش آن در راه به نظم و قاعده کشاندن آنچه می‌توانست صرفاً در جهت ارضای غرایز صورت بندد. به طور قطع می‌توان گفت هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند در برابر ازدواج - یا پدیده‌ای که توزیع زن را در آن تحت تأثیر قرار می‌دهد و از دیدگاهی بقای نسل و تطور کمی و کیفی آن بدان مربوط است بی‌توجه ماند. پس پیدایی ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها و مشکلات‌گزینه‌ش همسر در همین راستاست (ساروخانی: ۱۳۸۸؛ ۳۱).

در دوران قبل همسرگزینی به شدت تحت فشار اجتماعی بود. انتخاب همسر نه بر اساس میل و علاقه دو طرف به ازدواج، بلکه به دلیل جبر اجتماعی صورت می‌گرفت (اعزازی، ۱۳۸۹؛ ۲۷). همچنین جامعه نقش زن و مرد را در ازدواج تعیین می‌کرد و وظایف و حیطه مسئولیت هریک را مشخص می‌نمود (همان). در آن روزگار ازدواج فرزندان توسط والدین تحقق می‌یافت. گاه این ازدواج همچون ابزاری در خدمت والدین و بزرگترها به عنوان نمایندگان جامعه و برای تحقق آرمان‌ها و اهداف آنها صورت می‌یافت (ساروخانی، ۱۳۸۸؛ ۱۲۵).

امروزه در قرن بیست و یکم، تنوع و ناهمانندی‌ها هنجارها که ناشی از تغییرات سریع و جایگزینی ارزشی است علاوه بر اینکه جوامع غربی را از تمایزپذیری اجتماعی بیشتری برخوردار نموده، در کشورهای آسیایی، آفریقا، منطقه اقیانوسیه و بسیاری دیگر از کشورهای جهان از جمله ایران نیز تحولات ناشی از مدرنیته و ورود الگوهای جدید به جامعه، افزایش و رشد سواد و عواملی از این قبیل زمینه تغییرات را فراهم آورده و یکدستی و همانندی گذشته آنها را تبدیل به تمایز اجتماعی نموده است. در نتیجه این تغییرات، نه تنها گروه‌ها و اقشار اجتماعی، حتی افراد یک شبکه خویشاوندی و بالاتر از آن افراد یک خانواده، دیگر مثل جامعه گذشته دارای افکار، عقاید و الگوهای رفتاری مشابهی نیستند، بلکه هر گروه

و حتی هر فردی از الگوهای رفتاری متفاوتی پیروی می‌نماید. این امر خود را در ازدواج و همسرگزینی به شکل تفاوت در نگرش‌ها و ملاک‌های نسل‌ها به وضوح نشان می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۷۰).

روستای گرو نیز به عنوان یکی از روستاهای بزرگ و پرجمعیت کشور ایران، مانند دیگر مناطق باورود انبوه تبلورات مدرنیته مواجه شده و از تاثیرات جهانی آن بی‌نصیب نمانده است. تا جایی که در حال حاضر شاهد خودمحوری در گرفتن بزرگترین تصمیم زندگی، یعنی انتخاب همسر و ازدواج، بدون دخالت خانواده و حتی خلاف میل آنها توسط اغلب دختران و پسران کم سن و سال هستیم. این دختران و پسران که اغلب دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان هستند، بدون اذن و اجازه خانواده و تنها بر اساس عشق متقابل با یکدیگر فرار می‌کنند و به خانه یکی از اقوام که بر اقدام آنها مهر تایید می‌زند می‌روند و سپس خانواده‌ها، پس از برخی ناراحتی‌ها و تعارضات و گاهی درگیری و دعوا، برای حفظ آبرو و لوژ نشدن بیش از حد قضیه این دو نوجوان یا جوان را به عقد هم در آورده و به ازدواج آنها مشروعیت می‌بخشند.

از آنجا که این پدیده خاص روستای گرو می‌باشد و در جای دیگری حداقل به این شکل وجود ندارد، و همچنین به دلیل فراوانی آن، (قریب به صد مورد در دهه اخیر)، تحقیق در مورد این پدیده و کارکردها و کژکارکردهای آن ضروری می‌نماید. به همین منظور هدف اصلی این پژوهش، بررسی چستی پدیده «گرو» و کشف و فهم شرایط و بسترهای زمینه‌ساز برای شکل‌گیری آن است. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از پدیده «گرو» چگونه پدید آمده است؟، شرایط و بسترهای زمینه‌ساز «گرو» چگونه عمل می‌کنند؟ و دختران و پسرانی که فرارگونه ازدواج کرده‌اند و اهالی روستای گرو، این پدیده «گرو» را چگونه تفسیر می‌کنند.

۲- پیشینه تجربی پژوهش

- در پژوهشی با عنوان «تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل: ارائه یک مدل زمینه‌ای مقدماتی» که توسط فاطمه نیک‌پرور، لیلی پناغی و علی مظاهری در سال ۱۳۹۰ در مجله خانواده پژوهی به چاپ رسیده است. با هدف بررسی تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل، در میان اهالی روستای کبودان از توابع شهرستان قاین انجام شده است، تا علاوه بر تعیین تغییرات در ملاک‌ها، علل و عوامل مؤثر بر این تغییرات را در بین سه نسل بررسی کند. به این منظور از روش نظریه زمینه‌ای (GT)، به عنوان یک روش تفسیری استقرائی که مبتنی بر کدبندی داده‌هاست استفاده شده است. این بررسی یک مطالعه کیفی بوده است که از مصاحبه عمیق و شرکت‌کننده مشاهده‌گر استفاده شده است. جهت تحلیل اطلاعات یافته‌های بدست آمده شامل هشت مقوله عمده می‌باشند که عبارتند از: کاهش خویشاوندگرایی، اجبار در برابر اختیار، ورود

عناصر نوسازی (آموزش مدرن، رسانه‌های جمعی، رفت و آمد به شهر) و رفاه، الگوبرداری از فرهنگ‌های غیرمحلی، افزایش تحصیلات، افزایش آگاهی، تغییر شکل خانواده و مقوله هسته این بررسی «جایگزینی نسبی» است که مقولات عمده فوق را در بر می‌گیرد. بر این اساس، شرکت‌کنندگان در تغییر ملاک‌های ازدواج یک جایگزینی نسبی می‌بینند. نظریه حاضر در قالب یک مدل زمینه‌ای شامل سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدها که خود بیانگر نظریه زمینه‌ای نهایی می‌باشد، ارائه شده است. در پایان این پژوهش بیان شده است که با توجه به مقوله‌های عمده بدست آمده می‌توان گفت مقوله هسته «تغییر نسبی نگرش‌ها نسبت به ملاک‌های ازدواج» عامل عمده به وجود آورنده این تغییرات، عناصر نوساز و رفاه می‌باشد، که از طریق افزایش سطح تحصیلات، افزایش آگاهی، الگوبرداری و تغییر شکل خانواده باعث تغییر نسبی نگرش‌ها شده است. با توجه به نتایج به نظر می‌رسد که تغییر نسبی نگرش‌ها به طور عمده در دو مقوله تضعیف ازدواج خویشاوندی و ازدواج به عنوان امری اختیاری اتفاق افتاده است.

در پژوهشی دیگر با عنوان «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران» که توسط رسول صادقی و محمدجلال عباسی شوازی در بهار ۱۳۸۴ در مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) به چاپ رسیده است، بیان گردیده است که الگوهای ازدواج در بین کشورها و حتی در درون یک کشور در میان گروه‌های قومی گوناگون، متفاوت است. چنین نوسانی می‌تواند هم ناشی از عوامل قومی- فرهنگی و هم متأثر از عوامل اقتصادی- اجتماعی باشد. مقاله حاضر با استفاده از داده‌های طرح ملی "بررسی ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوار ۱۳۸۰" به بررسی الگوهای ازدواج در میان گروه‌های قومی در ایران پرداخته و تاثیر مستقل قومیت بر این الگوها را بررسی می‌نماید. یافته‌ها نشان دهنده الگوهای متمایز ازدواج در میان گروه‌های قومی در ایران است. نتایج تحلیل چند متغیره نیز بیانگر این است که بعد از کنترل مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج باقی می‌ماند و به عبارتی قومیت نقش مستقلی در تبیین الگوهای ازدواج در ایران است. هرچند هنجارها و ارزش‌های قومی فرهنگی در ورای نوسازی اقتصادی اجتماعی اثر خود را اعمال نموده و به تفاوت در الگوهای ازدواج منجر شده است، با اینحال عوامل اقتصادی اجتماعی نیز در تعدیل و کاهش اثر قومیت نقش داشته است. مطالعات جمعیت‌شناسی- مردم‌شناسانه با بکارگیری روش‌های کیفی می‌تواند شناخت عمیق‌تری نسبت به تأثیر هنجارها، ارزش‌ها و اعمال قومی بر الگوهای ازدواج و خانواده در ایران ارائه نماید.

زهره کاظمی و صغری نیازی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج (مطالعه موردی شهر شیراز)» بیان می‌کنند که مدل‌ها و آرمان‌های توسعه‌ای به طور گسترده‌ای در جهان انتشار یافته‌اند و در جهت تغییر دادن نگرش‌ها و رفتارها عوامل مهمی هستند. الگوی ازدواج در ایران نیز از یک طرف تحت تأثیر عوامل درونی مانند مدرنیزاسیون، شهرنشینی و سطح بالای تحصیلات و از طرف

دیگر تحت تأثیر عوامل بیرونی مانند آرمان‌گرایی توسعه‌ای قرار گرفته و کم‌کم تمایلی به مشابهت با الگوی ازدواج مدرن در جوامع صنعتی نشان می‌دهد. مثلاً سن ازدواج کم‌کم بالاتر می‌رود و پذیرش طلاق برای افراد آسان‌تر می‌شود. همچنین در هنجارهای فرهنگی مانند انتخاب همسر بر اساس عشق و مطلوبیت ازدواج تغییراتی به وجود آمده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر متغیرهای فرهنگی و زمینه‌ای بر الگوی ازدواج انجام یافته است. این پژوهش به شیوه پیمایشی و با کمک پرسش‌نامه بر روی ۴۰۰ نفر از جمعیت ۱۷-۵۰ ساله شهر شیراز انجام گرفته است بر اساس یافته‌های این پژوهش، با افزایش آرمان‌گرایی توسعه‌ای افراد، الگوی ازدواج آن‌ها مدرن‌تر می‌شود. همچنین متغیرهای جنس، سن، اولویت‌های ارزشی، درآمد، میزان تحصیلات و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با الگوی ازدواج رابطه معنی‌داری داشته‌اند. بر اساس نتایج رگرسیون چندمتغیره از بین کل متغیرهای مستقل، متغیرهای جنس، آرمان‌گرایی توسعه‌ای، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سن، اولویت‌های ارزشی و درآمد ۷۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. متغیر جنس بیشترین تأثیر را بر الگوی ازدواج داشت.

"الگوهای ازدواج در میان فلسطینیان ساکن اسرائیل" مقاله‌ای است از آلیسا سی. لوین (۲۰۱۲): سن ازدواج در میان فلسطینیان ساکن اسرائیل در حال افزایش می‌باشد، نسبت زنانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند در حال کاهش و شمار زنانی که هرگز ازدواج نمی‌کنند در حال افزایش است. این تحقیق از یک نگرش جمعیت‌شناسی استفاده می‌کند تا روابط و الگوهای ازدواج فلسطینیان و همچنین تغییرات در سطح سواد و در دسترس بودن همسران را بررسی کند. فلسطینی‌های ساکن اسرائیل نمونه خوبی برای این تحقیق می‌باشند زیرا که آنها در حال تجربه یک کاهش سریع در میزان باروری همراه با یک افزایش سریع در آموزش هستند. با استفاده از داده‌های سرشماری در اسرائیل در سالهای ۱۹۷۲، ۱۹۸۳، ۱۹۹۵، و ۱۹۶۱ نتایج نشان می‌دهند در حالیکه آموزش بر روی زمان ازدواج در میان زنان و مردان اثر می‌گذارد، در دسترس بودن همسران تنها زمان ازدواج را در میان زن‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. همانطور که انتظار می‌رفت، نداشتن سواد مدرسه‌ای شانس ازدواج زودرس را افزایش می‌دهد و داشتن سواد در حد آموزش عالی باعث کاهش این فرصت‌ها هم برای زنان و هم برای مردان می‌شود. تحصیل در آموزش عالی باعث افزایش فرصت‌های ازدواج دیرهنگام برای مردان و زنان می‌شود. برای زنان، نسبت مردها به زنها در سن ازدواج، شانس ازدواج زودرس را افزایش و شانس ازدواج دیرهنگام را کاهش می‌دهد. افزایش مداوم سطح تحصیلات احتمالاً باعث تأخیر بیشتر در ازدواج در آینده می‌شود و کاهش در میزان باروری بایستی منتج به تعادل بیشتر نسبت‌های جنسی شود.

- آنا سی. کورت وگ (۱۹۸۰) در مقاله‌ای با عنوان "ازدواج چیزی را تغییر نمی‌دهد: معنای ازدواج در هلند" بیان می‌کند: شمار زیادی از مقالات که شکنندگی زیاد ازدواج را برجسته می‌کنند، از کشف اثر این

شکندگی بر روی معناهایی که افراد به ازدواج می‌دهند ناکام می‌مانند. در طی ۲۵ تا ۳۰ سال گذشته دلایل هنجاری و ابزاری ازدواج، حمایت قانونی، تقویت و حمایت جمعی و طرد اجتماعی جایگزین‌های ازدواج به طور گسترده‌ای در هلند ناپدید شده‌اند. این تحقیق بر روی جوانانی که بعد از تغییرات دراماتیک در تجربیات زناشویی رشد کرده‌اند تمرکز کرده و در مورد معانی ازدواج در زمینه ایجاد روابط صمیمی گفت و گو می‌کند. مصاحبه‌های عمیق با ۱۵ جوان ناهمجنس‌خواه (در سنین ۳۰-۲۱ سال) که در یک رابطه‌ی تعهدآور بوده‌اند نشان داد که آنها به چهار شیوه‌ی گوناگون درباره‌ی ازدواج صحبت می‌کنند. آن‌ها:

- ۱- معنای ازدواج را محدود، کوچک و دست کم می‌گیرند. ۲- درباره‌ی مفهوم ازدواج صحبت می‌کنند تا تعهد را اثبات کنند. ۳- ازدواج را به عنوان رابطه‌ای ایده‌آل تعریف می‌کنند. ۴- به ازدواج به عنوان یک بدیاری نگاه می‌کنند. تضادهای بین این دو حالت، احساس دودلی و نگرانی را که وابسته به میل و اشتیاق برای تعهد است نشان داد. معانی احساس‌سازای که در رابطه با ازدواج هستند، ازدواج را در تصورات مصاحبه‌شوندگان ثابت نگاه می‌دارند و نهادها را قادر می‌سازند تا جایگاه ازدواج را حفظ کنند، حتی اگر فشارهای اجتماعی برای ازدواج، محدود و قانوناً جانشین موجودیت ازدواج شوند.

۳- جمع‌بندی پیشنهادی تجربی تحقیق

همان‌طور که در تحقیقات و پژوهش‌های ذکر شده دیده می‌شود، طی دهه‌های گذشته اقدامات علمی بسیاری در زمینه‌ی ازدواج با رویکرد جامعه‌شناختی انجام شده است و توانسته‌اند با رویکردهای کمی جنبه‌هایی از پدیده ازدواج را تبیین و تحلیل کنند. ولی تحقیقات بسیار کمی وجود دارند که با روش کیفی به پدیده ازدواج بپردازند و از آنجا که ازدواج پدیده‌ای پیچیده و عمیق می‌باشد. می‌توان این امر را نقضی مهم و قابل بررسی در تحقیقات انجام شده دانست. تحقیقات چندی در مورد بررسی نگرش دانشجویان در دانشگاه‌ها به انجام رسیده است ولی چون محققان به روش‌های کمی به این امر پرداخته‌اند، تحقیقاتشان از نگرش‌سنجی ضعیفی برخوردار بوده و نتوانسته‌اند معناهای ذهنی موجود در بین دانشجویان را کشف کنند، چرا که کشف چنین معناهایی مصاحبه‌های عمیق با تکیه بر روش کیفی را می‌طلبد. بعضی از تحقیقات هم که با موضوعات نزدیک به موضوع پژوهش حاضر انجام شده‌اند از نقایصی همچون تکیه بر عامل‌های غیرمرتبط و غلبه بیش‌های تک عاملی رنج می‌برند. به طور کلی در میان تمامی تحقیقاتی که توسط محقق مورد بررسی قرار گرفت، پژوهشی یافت نشد که الگوی خاصی از ازدواج را در یک متن اجتماعی و فرهنگی به طور همه‌جانبه مورد تدقیق و تأمل قرار داده باشد، بلکه اکثراً ازدواج و الگوهای ازدواج را به عنوان یک متغیر کلی در نظر گرفته‌اند. وجود چنین ایرادات و نقایص در پژوهش‌های انجام شده پیرامون ازدواج تا به حال، محقق را بر آن داشت تا الگوی ازدواج فرارگونه را در روستای

گرو با استفاده از رویکرد کیفی و بکارگیری نظریه زمینه‌ای و جبهه همت خود قرار داده و در صدد تحلیل آن برآید.

۴- چارچوب نظری

اولریش بک و الیزابت بک - گرنشایم در بررسی‌هایشان راجع به ماهیت پرتلاطم روابط شخصی، ازدواج‌ها و الگوهای خانوادگی در پس‌زمینه دنیای به سرعت دگرگون‌شونده فعلی معتقدند، سنت‌ها و قواعد و رهنمودهایی که بر روابط شخصی حاکم بود دیگر کاربردی ندارند و اکنون افراد با سلسله بی- پایانی از انتخاب‌ها روبرو هستند که بخشی از بناساختن، تنظیم و تعدیل، بهبودبخشیدن یا خاتمه‌دادن به پیوندهایی است که با یکدیگر تشکیل می‌دهند. این واقعیت که ازدواج‌ها اکنون به صورت داوطلبانه و نه برای مقاصد اقتصادی یا با فشار خانواده‌ها انجام می‌گیرند، هم آزادی‌ها و هم قید و بندهای تازه‌ای با خود به همراه می‌آورد. بنا به نتیجه‌گیری این جامعه‌شناسان، در واقع ازدواج‌های کنونی مستلزم تلاش و تقلاي سخت و فراوانی هستند (گیدنز: ۱۳۸۸؛ ۲۶۰-۲۵۹).

مرتون علت ریشه‌ای انحراف از هنجارهای رایج اجتماعی را شرایط ساختاری جامعه می‌داند و برخلاف دورکیم معتقد است که افراد در جامعه به هنجارها توجه زیادی ندارند و به جای اعتنا به آن‌ها، هنجارها را در معرض انتقاد قرار می‌دهند. به نظر وی دو ساخت اساسی در جامعه وجود دارد یعنی اهداف نهادی‌شده و وسایل نهادی‌شده که ارزش‌ها و امور مطلوب و شیوه‌های استاندارد کنش برای رسیدن به آن اهداف در جامعه است. تعامل بین این دو ساخت موجب بروز رفتارها و شخصیت‌های مختلف و گاه متناقض در جامعه می‌شود. به نظر مرتون چهار تیپ مناسک گرا یا شعائرگرا، انزواطلب و نوآور یا بدعت‌گذار، انقلابی یا شورشی و هم‌نوایان معلول شرایط جامعه و برخورد این دو ساخت هستند که هرکدام شیوه‌ی خاص انطباق فردی با این دو ساخت است. یکپارچگی و انسجام در جامعه هنگامی حاکم است که میان دو ساخت اساسی تعادل وجود داشته باشد، اما اگر اهداف و ارزش‌های نهادی‌شده مانند منزلت و ثروت توسط رسانه‌ها، آموزش و پرورش، تبلیغات و غیره تاکید شوند و در کنار آن وسایل دسترسی به این اهداف وجود نداشته باشد، تیپ‌های مختلف شخصیتی و رفتاری بروز و ظهور می‌یابند (توسلی: ۲۱۵؛ ۱۳۸۰).

نظریه‌های فمینیستی به تحلیل موقعیت پایین زنان پرداخته و کوشش خود را در جهت ارتقاء بهره-مندی زنان در جامعه نهاده‌اند و در صدد تغییر نگرش نسبت به وجود و موجودیت زن هستند. این نظریه-ها، زن را دارای حق انتخاب، انتخاب‌شدن، در صدر قرارگرفتن و مورد توجه قرار گرفتن از لحاظ اجتماعی می‌دانند (ریتز: ۱۳۸۱؛ ۳۲۷). اولین مرحله نظریه فمینیستی در سده هجدهم ظهور کرد. در این

دوره، دغدغه اصلی فمینیست‌ها این بود که مفهوم مرکزی لیبرالیسم کلاسیک، یعنی آموزه آزادی فردی را به گونه‌ای گسترش دهند که علاوه بر مردان، زنان را هم در برگیرد. در اینجا، منظور از آزادی به قول سیدمن، رهایی از زور و فشار و حق داشتن اراده اخلاقی و رضایت فردی بود. طبق این آموزه که زیربنای تفکر روشنگری بود، فقط موجودات عقلانی می‌توانستند آزادی را تجربه کنند - عقلانیت، ویژگی‌ای است که انسان را از حیوانات متمایز می‌کند. اما مسأله این بود که زنان به اندازه مردان عقلانی محسوب نمی‌شدند. هرچه از انسانیت مراد می‌شد، زنان را هم در بر می‌گرفت، ولی اندیشمندان کلاسیک لیبرال، ظرفیت‌های فکری و اخلاقی زنان را بسیار متفاوت و کمتر از مردان می‌دانستند (جلایی‌پور و محمدی: ۱۳۸۷؛ ۶۷ و ۶۸).

همچنین بنا به نظریه مدرنیزاسیون، مدرن‌شدن موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل و نقل و ارتباطات و نظایر آن می‌گردد. تحت تاثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه یافته، سرانجام به سمت مدل جهانشمول خانواده مدرن غرب با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت (عسکری ندوشن و همکاران: ۱۳۸۸؛ ۱۱). ویلیام گود در سال ۱۹۶۳ میلادی با بررسی تغییرات ساختی خانواده در سراسر جهان، تأثیر خانواده را بر ازدواج مورد بررسی قرار داده است. طبق این نظریه، مدرنیزاسیون با نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی با تاثیرگذاری بر ازدواج صورت می‌گیرد. در میان مهمترین فاکتورهای مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. گود اعتقاد دارد افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر شهری نسبت به مناطق روستایی ازدواجشان به تأخیر صورت می‌گیرد (توده فلاح و دیگران: ۱۳۸۹؛ ۱۱۳-۱۱۴).

به اعتقاد گیدنز، در عصر حاضر افراد فرصت‌های بسیار بیشتری برای شکل‌دادن به زندگی خویش دارند. پیش از این رسم و رسوم نفوذ بسیار نیرومندی بر خط سیر زندگی مردم داشت. عواملی مثل طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت و حتی عقاید دینی می‌توانست دروازه‌هایی را به روی مردم ببندد یا بگشاید. برای مثال سنت حکم می‌کرد خانه جایگاه طبیعی زن است. در ادوار گذشته، هویت‌های شخصی افراد در بستر همان اجتماعی شکل می‌گرفت که در آن به دنیا می‌آمدند. اما در اوضاع و شرایط جهانی شدن، ما با حرکتی به سمت فردگرایی نوینی روبرو هستیم که مردم ناچارند خویشان خویش را فعالانه بسازند و هویت‌های خویش را بنا کنند (گیدنز: ۱۳۸۸؛ ۲۴).

نظریه‌های قومی - فرهنگی اذعان دارند فرهنگ قومی دربرگیرنده شیوه کلی زندگی، زبان، ایده‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری است. مدل فرهنگی به طور گسترده‌ای توسط محققان برای تبیین انواع متفاوت رفتار در میان زنان گروه‌های قومی مانند مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ازدواج و خانواده و رفتار باروری به کار رفته است. تئوری‌های فرهنگی بر نقش ارزش‌ها، هنجارها و نظام‌های هویتی و فرهنگی در شکل‌گیری الگوهای ازدواج و سایر رفتارهای جمعیتی تأکید دارند. در قالب این تئوری فرضیه هنجاری - فرهنگی بعنوان تبیین جایگزینی برای فرضیه مشخصه‌ها ارائه شده است که بر نقش مستقل و معنی‌دار هنجارهای قومی و فرهنگی بر الگوهای ازدواج تأکید دارد و بر این باور است که هنجارها، آرمان‌ها و اعتقادات قومی، عوامل مهم و تعیین‌کننده در الگوهای ازدواج هستند (عباسی شوازی و صادقی: ۱۳۸۴؛ ۳۰).

با توجه به نظریه‌های موجود در زمینه انواع روش‌های موجود در تشکیل خانواده و رویکردها و نگرش‌های متعدد در زمینه اشکال متفاوت و غیرمعمول در تشکیل خانواده، رویکرد پدیدارشناسانه این تحقیق تفاوت اساسی دارد. در بررسی روش متفاوت و غیرمعمول اهالی روستای گرو برای تشکیل خانواده در این تحقیق، به عنوان پدیده مجهولی است که قصد شناخت آن بدون هیچ پیش‌داوری مدنظر است. رویکرد این تحقیق مبتنی بر کشف امر نامعلوم یا پدیده مجهولی است که انسان‌ها در زندگی روزمره خود و با تعاملات خود آن را پدید آورده‌اند.

۵- راجع به فرضیه تحقیق

پژوهش‌های کمی از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کنند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهشی از قبل تعیین‌شده انجام می‌شوند. معیارهای اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌کنند. پژوهش‌های کیفی شامل روش‌هایی می‌شوند که برای مطالعه پدیده‌ها در شکل طبیعی خودشان به کار گرفته می‌شوند و پژوهشگر هیچ فرضیه از قبل تعیین‌شده‌ای در زمینه موضوع مورد مطالعه در دست ندارد.

در این گونه پژوهش‌ها، هدف پژوهشگر بررسی چیستی و کیفیت پدیده مورد مطالعه است نه کمیت. واژه کیفیت به چه، چگونه، چه زمان، کجا، چقدر، چه مقدار و... مربوط می‌شود. بنابراین، پژوهش‌های کیفی به معانی، مفاهیم، تعاریف، علامات، استعارات، توضیحات و ویژگی‌های چیزها و موضوع‌های مورد مطالعه، می‌پردازند (نمازی: ۱۳۸۲؛ ۲۰) و از آنجا که پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی می‌باشد، فرضیه از پیش تعیین‌شده‌ای مدنظر محققان نبوده و مفاهیم در طی فرایند تحقیق کشف شده و نظریه نهایی را شکل می‌دهند.

۶- روش تحقیق

از آن‌جا که هدف از تحقیق کیفی بررسی منحصر به فرد - افراد، گروه‌ها و پدیده‌های منحصر به فرد است که در یک زمینه خاص و معین واقع شده‌اند، و با توجه به این که هدف این تحقیق بررسی پدیده اجتماعی منحصر به فرد «گرو» در روستای گرو از زبان اهالی این روستا می‌باشد، روش به کار گرفته در این تحقیق کیفی است؛ لذا روش تحقیق قوم‌نگاری را برای انجام عملیات تحقیق و روش نظریه زمینه‌ای جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها بکار گرفته شده است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات مشاهده مستقیم و مصاحبه عمیق بوده است. جامعه مورد مطالعه، روستای گرو از توابع شهرستان کلات در استان خراسان رضوی می‌باشد. جمعیت این روستا در سال ۱۳۹۲ حدود ۲۱۰۰ نفر و مسافت این روستا تا کلات نادر شش کیلومتر و تا مشهد مقدس ۱۵۰ کیلومتر می‌باشد. در این پژوهش، از دو نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظری به طور هم‌زمان استفاده شده؛ از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر (گلاسر، ۱۹۹۸ و دیپوی و گیلین، ۲۰۰۵) در نمونه‌گیری کیفی تعداد افراد نمونه با معیار اشباع نظری تعیین شده است. بدین معنا، زمانی که محقق به این نتیجه رسید که انجام بیشتر مصاحبه و مشاهده، اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، گردآوری اطلاعات را متوقف نموده است. (گابریوم و هولشتین، ۲۰۰۱). مشارکت کنندگان در تحقیق حاضر، دختران و پسران نوجوان و جوانی هستند که اقدام به «گرو» را تجربه کرده‌اند.

همچنین برای فهم بهتر و عمیق‌تر پدیده «گرو» و تبیین دقیق آن، تعدادی از افراد مقیم و ساکن اصلی روستا که اطلاعات مفیدی در این زمینه دارند، والدین دختران و پسران فرارکرده به قصد ازدواج، اعضای خانواده آنها، اقوام، و دوستان نزدیک دختران و پسران که ارتباط صمیمانه و نزدیکی با آن‌ها داشته‌اند نیز، به جمع مشارکت کنندگان اضافه شده است.

در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها از سه مرحله کدبندی استفاده شده است: کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری گزینشی. در مجموع ۳۵ مصاحبه با این افراد طی بهار و تابستان ۱۳۹۲ در صحن روستا (کوچه، خیابان، منزل اشخاص و...) انجام شد و بطور میانگین هر مصاحبه ۴۵ دقیقه به طول انجامید.

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

تعداد	گروه‌های مصاحبه شده
۹	پسران فرارگونه ازدواج کرده
۵	دختران فرارگونه ازدواج کرده
۴	پدران این دختران و پسران
۴	مادران این دختران و پسران
۶	اعضای خانواده شان (برادر و خواهر و ...)
۳	اهالی مطلع روستا
۴	دوستان صمیمی و نزدیک دختران و پسران

۷- یافته‌های تحقیق

همان طور که بیان شد پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: پدیده «گرو» چگونه پدیده‌ای است؟ شرایط و بسترهای زمینه‌ساز «گرو» چگونه عمل می‌کنند؟ و دختران و پسرانی که به روش «گرو» ازدواج کرده‌اند و اهالی روستا، «گرو» و عوامل مؤثر بر آن را چگونه تفسیر می‌کنند؟ در جدول ۲ به پدیده «گرو» و عوامل مؤثر بر آن در قالب مفاهیم اولیه و مقوله عمده اشاره شده و در ادامه مثال‌هایی برای هر مقوله آورده شده است.

جدول ۲: مفاهیم، مقولات عمده و مقوله محوری هسته استخراج شده از داده‌های کیفی

مقوله هسته	مقوله عمده	مفاهیم اولیه
عاملان مدرن در قالب سنت	تضاد نسلی	اجبار والدین و انتخاب فرزندان، لج و لجبازی، والدین؛ شمشیر دو دم، ناتوانی والدین در کنترل فرزندان، راحت نبودن فرزندان در خانه پدری، پسران؛ رها، دختران؛ دربند
	نقش آفرینی عناصر نوسازی	ارتباط زیاد پسران با مراکز خدماتی و تفریحی شهری به قصد کار، تجهیز روستا به تلفن ثابت، رواج موبایل در بین عموم، فیلم‌های سینمایی و سریالها، ترانه، کلیپ و شو
	عشق رمانتیک	تاکید نسل سوم بر علاقه متقابل و ازدواج بر اساس عشق، ترس از دست دادن فرد مورد علاقه، شناخت غیرواقعی دختر و پسر از هم، اصرار زیاد دختر یا پسر برای فرار، لو رفتن عشق دو نفر در روستا
	چشم و هم چشمی	تبدیل «گرو» به عنوان وسیله مباحثات و کلاس و مدرن بودن، اثبات عشق دوطرفه به گروه همسالان، مد شدن این الگوی ازدواج، تحریکات گروه همسالان و رقابت
	یادگیری و تقویت	حضور دختران و پسران فرارگونه ازدواج کرده در مدرسه، عدم تنبیه دختران و پسران فرارگونه ازدواج کرده، حمایت از آنها برای جلوگیری از آبروریزی، عدم مشاهده مشکل ظاهری خاص در زندگی فرارگونه ازدواج کرده‌ها، وجود عروس یا داماد فرارگونه ازدواج کرده در خانواده و معمولی جلوه کردن آن برای دیگر اعضا
	مراسم عروسی (طوی) در گرو	مختلط بودن زن و مرد در جشن، فرار تعدادی از دختران و پسران در حین مراسم، خودنمایی و رقص برای فرد مورد نظر، تأثیر پذیری از جو عروسی و هیجانی شدن
نگاه ابزار و «گرو»	تسهیل شرایط خدمت وظیفه، ازدواج به خاطر خانواده دختر نه خودش، ازدواج به خاطر ثروت و پایگاه خانوادگی، عقده احترام و منزلت و تلاش برای اکتساب آن از راه ازدواج	

پس از جمع‌آوری داده‌ها و کدبندی‌های مکرر، در پاسخ به سؤالات پژوهش، نتایج به دست آمده را می‌توان در قالب مفاهیم ذیل، مقوله‌بندی نمود.

تضاد نسلی: منظور این است که در روستای گرو در بین نسل دوم که والدین هستند با نسل سوم ناهماهنگی‌ها و اختلافاتی در نظرگاه‌ها و سلاقی، و همچنین در ارزش‌ها و هنجارها وجود دارد. نسل دومی‌ها، خود، در ازدواج و انتخاب همسر، اجبار را تجربه کرده‌اند و علی‌رغم آگاهی به ناپسندیده بودن آن، می‌خواهند فرزندانشان را نیز تسلیم این امر کنند. غافل از این که دنیای آن‌ها با فرزندانشان بس متفاوت است و این عاملان اجتماعی مدرن‌تر به اجبار نمی‌دهند. دختری که فرارگونه ازدواج کرده است بیان می‌کند: «این بدبخت‌ها (پدر و مادر قدیمی) از دنیا چی فهمیدن؟ خودشان که به زور ازدواج کردن، فکر می‌کنن ما هم مثل اونا بدبختیم». یک پسر، لیسانس الهیات، که خواهرش فرارگونه ازدواج کرده است می‌گوید: «اگه خانواده‌ها با بچه‌ها صمیمی و دوست باشن و بذارن بچه‌ها راز دلشون رو با خانواده در میان بذارن هیچ وقت فرار نمی‌کنند. من فکر می‌کنم خواهرم به خاطر کم محبتی و بی‌توجهی و درک نشدن از سمت پدر و مادرم فرارگونه ازدواج کرد. در جریان انجام مصاحبات و درخواست از مشارکت کنندگان برای بیان دلایل و عواملی که دختران و پسران را به «گرو» وا می‌دارد، تعداد کثیری از آنها تفاوت‌ها، تعارضات، برخوردها و مناقشات بین والدین و فرزندان و جو موجود در خانواده‌ها را جزو اولین دلایل «گرو» برشمرده‌اند. بسیاری از خود دختران و پسرانی که فرارگونه ازدواج کرده‌اند به انحای مختلف از جو موجود در خانواده‌شان شکایت می‌کنند و والدین و اعمال آنها را در قصه فرارگونه ازدواج کردنشون دخیل می‌دانند.

نقش آفرینی عناصر نوسازی: یکی از مقولاتی که به آسانی در جریان تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌ها استخراج شد، نقش و تأثیر وسایل اطلاعاتی و ارتباطی نوین و ارتباط با شهرها، چه در پیدایش و چه در افزایش پدیده ازدواج فرارگونه در روستای گرو می‌باشد. تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان نقش این وسایل نوین، در بروز این گونه ازدواج در روستا را تأیید کرده‌اند. خود دختران و پسرانی هم که ازدواج فرارگونه داشته‌اند نیز نقش موبایل و تلفن همراه را در این ازدواج بسیار زیاد می‌دانند. از سمت دیگر این والدین و دیگر اهالی هستند که ضمن تأیید تأثیر و نقش‌رفتن به شهرها برای کار، موبایل، تلفن، فیلم و ترانه در ازدواج فرارگونه این وسایل را موجب آزار واذیت خانواده‌ها، پررو و چشم‌پاره کردن پسران و دختران و افزایش ارتباطات پنهانی آن‌ها می‌دانند.

پدری که پسرش فرارگونه ازدواج کرده است می‌گوید: «همین رفتن به شهرها بچه‌ها رو چشم دریده می‌کنه. معلوم نیست آنجا با چه کسانی رفیق می‌شن، همه نوع گندکاری رو یاد می‌گیرند، همه فرقه و همه فن حریف می‌شن، لباس‌های اجق و جق می‌پوشن، ما که راضی نیستیم برن، ولی جلوشون نمی‌تونیم

بگیریم، می‌گن بده بریم یک ماه کار کنیم لباسمون رو خودمون بخریم؟ فردا هم که میان روستا هوایی می‌شن فکر میکنن با دوقران پول کارگری می‌شه خانواده راه برد، زن راه برد...». پسری که سه سال پیش فرار گونه ازدواج کرده است می‌گوید: «به نظر من اگه موبایل و تلفن تو روستا نمی‌شد اصلاً دختر، پسرا نمی‌تونستند فرار کنن. یکی از مسؤولین روستا توضیح می‌دهد: «الان ۹ سال است که روستای ما مجهز به تلفن ثابت شده است، قبل از آن یک مخابرات در روستا فعال بود، تقریباً ۵ سالی هست که موبایل در تمامی نقاط ایران من جمله روستای ما گسترش پیدا کرده واز دیگر نکاتی که باید مدنظر قرار داد قدرت و امکان آنتن دهی موبایل در اکثر نقاط روستای ما به دلیل ارتفاع زیاد آن می‌باشد. اگر ملاحظه کنید اکثر روستاهای شهرستان کلات یا به دلیل جمعیت کم و بعد مسافت تلفن ندارند و یا به دلیل عدم پوشش شبکه‌های تلفن همراه مجهز به موبایل نیستند، این از وجوه متمایز روستای ما با دیگر روستاها است. حالا اگر کمی دقت کنیم وبه عقب بر گردیم می‌بینیم که در روستای گرو در ایام قدیم هم هر چند سال یکبار یک ازدواج نا متعارف رخ داده است ولی دقیقاً از ۹ یا ۱۰ سال گذشته این پدیده در روستای ما شیوع و گسترش چشم‌گیری داشته است. پس می‌توان نقش تلفن و موبایل را در ازدواج فرار گونه به راحتی ثابت کرد. پسر فلانی ۹ سال پیش فراری داد والان پسرش کلاس دوم یعنی هشت ساله است و به نظرم اون پسر اولین کسی بود که به وسیله تلفن دختر فراری داد و بعد از اون افراد دیگر».

عشق رمانتیک: از مقوله‌های دیگری که در تحلیل مصاحبه‌ها از سوی دختران و پسرانی که فرار گونه ازدواج کرده‌اند به دست آمد، عنوان کردن عشق و علاقه شدید دختر و پسر به همدیگر می‌باشد. تقریباً ۹۰٪ دختران و پسرانی که از آنها این سؤال پرسیده شد که چرا شما فرار گونه ازدواج کردید؟ در جواب عشق و علاقه‌ی شدید را اظهار و ابراز می‌کردند. مثلاً: پسری که دو سال پیش در سن ۱۷ سالگی با دختر مورد علاقه‌اش فرار کرده است می‌گوید: «عشق و علاقه به دختر مورد علاقه‌ام منو دیوانه کرده بود، هیچ چیزی توی دنیا برام به اندازه‌ی اون ارزش نداشت، فقط می‌خواستم به اون برسم، به هر قیمتی». جوان دیگری که فرار گونه ازدواج کرده است می‌گوید: «عشق مقدس است، من فقط با خیال دختر مورد علاقه‌ام زندگی می‌کردم، اگه تو عروسی‌ها می‌دیدمش حال خوب بود، اگه نمی‌اومد دیونه می‌شدم، گریه می‌کردم، بد اخلاق می‌شدم، حوصله‌ی هیچی رو نداشتم، باور کنید اگه بهش نمی‌رسیدم می‌مردم».

چشم و هم‌چشمی: چشم و هم‌چشمی مقوله‌ای است که خیلی زیاد از سوی مصاحبه‌شوندگان به عنوان دلیلی برای ازدواج فرارگونه و افزایش آن در روستای گرو ذکر شده است. در لفظ عامه و از پندار مردم در روستای گرو چشم و هم‌چشمی، در پیش‌گرفتن راه‌ها و روش‌های مشابه برای زندگی و تجهیز کردن خود به چیزهایی است که دیگرانی چند به وسیله‌ی آنها خودنمایی و فخرفروشی می‌کنند. به عقیده‌ی این مردمان ازدواج فرارگونه در میان نوجوانان و جوانان دختر و پسر در روستای گرو مایه‌ی

مباهات و برتری‌جویی است. آنها آزادی از هر قید و بند در انتخاب همسر را نشانه‌ی پشت‌سر گذاشتن سنت و مدرن‌بودن می‌دانند و به اصطلاح خودشان به وسیله‌ی آن کلاس می‌گذارند. پدری که پسرش فرار گونه ازدواج کرده است می‌گوید: «پسرها فراری‌دادن رو برای خودشان شأن و شهرت می‌دانند، فکر می‌کنند با دختر فراری دادن بهشون میگن بابا عیولا، دمت گرم، چه جیگری داری، فکر می‌کنند کار شاقی می‌کنن، دو سه تا بی‌صاحب این کار و کردن، میان قلعه رسم گذاشتن». پسری که ازدواج فرارگونه داشته است اقرار می‌کند: «واقعیت این است که همه‌ی ما پسرای که زن فراری می‌دهیم به نوعی گرفتار چشم و هم‌چشمی هستیم. من خودم چون همه‌ی دوستانم فرار گونه ازدواج کرده بودند و تنها من مجرد بودم در جمع آنها احساس راحتی نمی‌کردم و تازگی‌ها آنها هم مایل به دورزدن با من نبودند. به همین خاطر برای اینکه با آنها صمیمی‌تر و یکرنگ باشم اقدام به ازدواج فرار گونه کردم».

یادگیری و تقویت: یکی دیگر از مقولاتی که در جریان کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌ها به دست آمد مقوله‌ی یادگیری، تقویت و تنبیه است. براساس نظریه‌ی یادگیری که یکی از نظریات کاربردی در زمینه‌ی تبیین انحرافات اجتماعی است، هر گاه یک فرد در تعامل مداوم با افرادی باشد که انحراف را تجربه کرده اند و برچسب منحرف خورده اند، به احتمال زیاد آن رفتار انحرافی از او نیز سر می‌زند (احمدی، ۱۳۸۷). مصاحبه‌شوندگان در روستای گرو نیز یکی از دلایل افزایش ازدواج فرارگونه در روستا را تعامل، هم‌صحبتی و رفت و آمد دختران و پسران ازدواج نکرده با دختران و پسران فرارگونه ازدواج کرده می‌دانند. افرادی که در مصاحبه‌ی مربوط به دلایل ازدواج فرارگونه شرکت داشتند همچنین یکی از دلایل افزایش ازدواج به صورت فرارگونه را تقویت فرزندان از طرف والدین و در نظرنگرفتن مجازات و تنبیه شدید برای آنها می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان یعنی دخترها و پسرای که ازدواج فرار گونه داشته‌اند، والدینشان، اعضای خانواده و افرادی که با این پدیده ارتباط نزدیکی دارند، تأثیر مدرسه بر ازدواج فرارگونه را به گونه‌ی دیگری نیز بیان کرده‌اند بدین صورت که حضور دختران و پسران فرارگونه ازدواج کرده در مدرسه می‌تواند تأثیرات بسیار بد و مخربی بر دیگر دانش‌آموزان (چه دختر چه پسر) بگذارد.

پدری که پسرش فرار گونه ازدواج کرده است با صداقت تمام منظورش را در یک جمله خلاصه کرده و اینگونه بیان می‌کند: «پسر دخترا فرارکردن رو از همدیگر یاد می‌گیرن». مادری که دخترش فرارگونه ازدواج کرده است می‌گوید: «دختر عموش که فرار کرد، این رو هم لرزه گرفت، اینا از بچگی با هم بزرگ شدن، دختر ما ترسید شاید خانه ما بمانه و هیشکی نگیردش، هر روز از همون موقع می‌رفت خونه عموش، به نظر من که زن عموش دختر کم سن منو از راه به در کرد و فرار را بهش یاد داد».

مراسم عروسی (طوی) در گرو:

یکی از تفاوت‌های اصلی برگزاری مراسم عروسی در روستای گرو با بسیاری از روستاهای دیگر کلات مختلط بودن این مراسم است که این امر هم به نوبه‌ی خود به عنوان داعی بر پیشانی روستای گرو محسوب می‌شود و تمامی مردم منطقه کلات روستای گرو را به عنوان روستایی که مراسم عروسی آن مختلط است می‌شناسند، و حتی گاهی اوقات جوانانی که اهل روستاهای دیگرند و با جوانان روستای گرو در ارتباط هستند، با کلامی حسرت‌آمیز، از مراسم عروسی در روستای خودشان شکایت و به نحوه‌ی برگزاری عروسی در روستای گرو غبطه می‌خورند.

مشارکت‌کنندگان در این تحقیق بیان می‌کنند که رودرو بودن دختران و پسران در مراسم عروسی (طوی‌ها) تأثیر زیادی بر آنها می‌گذارد و آنها را هیجانی می‌کند. شلوغی روستا هم در این اوقات زمینه را برای فرار دختران و پسرانی که قصد فرار به قصد ازدواج دارند مهیا می‌سازد. پدری که پسرش فرارگونه ازدواج کرده است می‌گوید: «خیلی‌ها مثل فلانی و فلانی و ... از هم داخل عروسی، توی همون شلوغ پلوغی دست دختری که می‌خواستن رو گرفتن و بردن». یک پسر جوان گرویی هم با ذکر مثال‌هایی چند اینگونه می‌گوید: «همین طی‌ها خیلی از پسر دخترها رو هوایی میکنه، اگه دقت کنی هر ساله بیشتر فرارها همین موقع طی‌هایه. می‌بینن عروس و داماد رو تحویل می‌گیرن، اونا هم دلشون می‌خواد. نمی‌دونن تو عمرت همین یک شب تحویل می‌گیرن و از فراداش هیچکی تحویل نمی‌گیره و تو دلشون میگن اینم بد بخت شد».

«گرو» به مثابه ابزار: خدمت سربازی مفهومی است که پس از کدگذاری و تحلیل داده‌ها به دست آمد. این مقوله همان طور که از نامش پیداست مخصوص پسران است. در دومین مصاحبه بود که پسری که ازدواج فرارگونه کرده بود گفت: «یکی از عواملی که باعث می‌شود پسران زن فراری بدن به خاطر خدمت سربازی است». شنیدن این حرف واقعاً موجب تعجب محقق شد و با کنجکاوی زیادی به فهم کامل منظور این پسر پرداخت، نکته جالب دیگر این است که بدون عنوان کردن این مقوله از طرف محقق در مصاحبه‌های بعدی، تعداد قابل توجهی از مشارکت‌کنندگان دیگر نیز این مقوله را یکی از عوامل مؤثر بر زن فراری دادن پسران در روستای گرو می‌دانند».

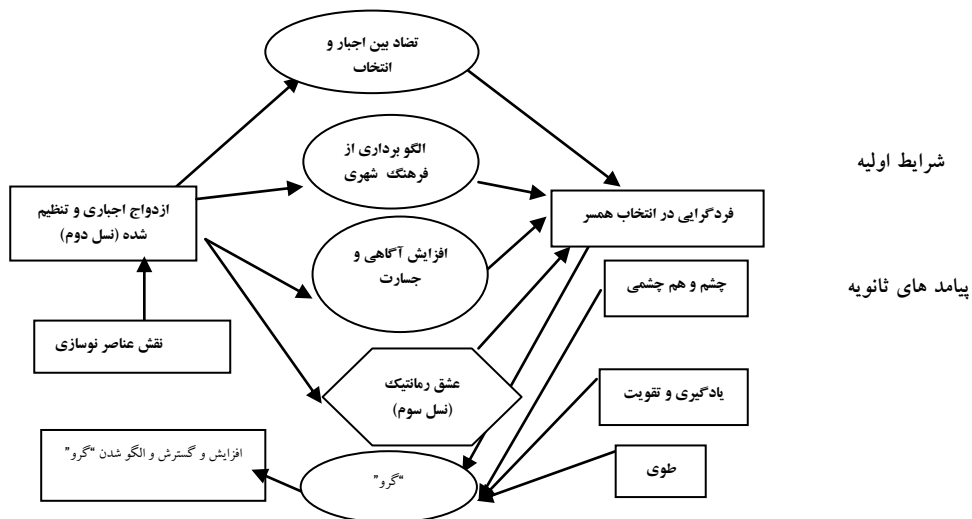
چند سالی است که طرحی از سوی سازمان نظام وظیفه عمومی اجرا می‌شود که به موجب آن برای حفظ نهاد خانواده و تشویق جوانان به ازدواج، جوانانی که در هنگام اعزام به خدمت متأهل می‌باشند، برای نزدیکی به خانواده خود می‌توانند دوره‌ی وظیفه خود را در شهرستان بومی خودشان انجام دهند. این موضوع و دلایلی دیگر پیرامون همین، جوانان روستای گرو را به فکر ازدواج کردن و راحتی در انجام دوره سربازی می‌اندازد که برای روشن‌تر شدن موضوع و اثبات این مقوله از گفته‌های خود مشارکت‌کنندگان مخصوصاً پسران استفاده می‌کنیم: پسری که فرارگونه ازدواج کرده است می‌گوید: «ما که می‌خواهیم این

دوسال را مفت برای دولت خدمت کنیم، خوب چه بهتر که زن بگیری و بیفتی منطقه‌ی خودت، در کنار سربازی کار هم می‌تونی بکنی تا این دوسال تموم بشه مقداری پول هم جمع می‌کنی و اگه بخوای یک بچه هم داری».

همچنین پسر دیگری که فرارگونه ازدواج کرده است بیان می‌کند: «پدر و مادرم می‌گفتن برو سربازی تو خدمت کن، بعد که بر گشتی دامادت می‌کنیم. منم بهشون گفتم خوب چه فرقی می‌کنه، اگر الان هم داماد بشم زیاد که دور بیفتم می‌افتم لایین (یکی از بخش‌های شهرستان کلات که تقریباً ۴۰ یا ۵۰ کیلومتر با روستای گرو فاصله دارد). لایین هم که خدمت نیست، هرروز خانه‌ای. قبول نمی‌کردن، منم که حس و حال زابل و زاهدان مردن رو نداشتم خودم داماد شدم».

۸- نتیجه‌گیری

با توجه به مقوله‌های عمده به دست آمده می‌توان گفت مقوله هسته «عاملان مدرن در قالب سنت»، عامل اصلی و عمده بوجود آورنده و گسترش دهنده الگوی «گرو» است. مقوله هسته می‌تواند کلیه مقولات و مفاهیم را توضیح داده و تحلیل نماید. برای درک بهتر چگونگی پیدایش و گسترش پدیده «گرو» در روستای گرو از یک مدل زمینه‌ای مقدماتی که شامل شرایط، تعاملات و پیامدها است استفاده شده است.



شکل ۱: ارائه یک مدل زمینه‌ای مقدماتی از طریق نشان دادن شرایط، تعاملات و پیامدها

در گذشته یا به طور دقیق تر قبل از سال ۱۳۸۲ الگوی ازدواج در روستای گرو همان شکل متعارف، یعنی ازدواج از طریق خواستگاری و تنظیم شده بوده است. با ورود عناصر نوسازی از قبیل تلفن ثابت، موبایل، سی‌دی‌های شو و فیلم، ارتباط زیاد با شهرها و ... به تناسب دیگر روستاهای کشور ایران، روستای گرو نیز با نوعی تغییر در نظام ارزشی و ساختاری مواجه گردید. این تغییرات که منجر به افزایش آگاهی‌ها در تمام حوزه‌ها و از جمله ازدواج و انتخاب همسر گردید نوعی اختلاف و تضاد نسلی را میان نسل دوم و سوم موجب گردید.

بطوریکه نسل دومی‌ها بر ازدواج اجباری و تنظیم شده و نسل سومی‌ها بر عشق رمانتیک و ازدواج بر مبنای علاقه متقابل تأکید می‌کنند. نتیجه این امر ظهور فردگرایی در انتخاب همسر از سوی دختران و پسران نوجوان و جوان و عدم توجه به حضور و نظر والدین (نسل سنتی) در قالب «گرو» است.

همان‌طور که قبلاً نیز عنوان شد ازدواج فرارگونه خاص روستای گرو می‌باشد و مشابه این ازدواج را تا جایی که محقق اطلاع دارد یا در هیچ‌کجا نمی‌توان یافت و یا به ندرت اتفاق می‌افتد. به همین دلیل ازدواج «گرو» با نام روستای گرو عجین شده است و به عنوان پدیده‌ای یگانه مطرح نظر اهالی دیگر نقاط شهرستان کلات قرار می‌گیرد.

دلیل برجستگی آن نیز غیرمتعارف بودن و ناهمسوب بودن این الگوی ازدواج با ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات و آداب و رسوم کهنسالان روستای گرو می‌باشد (در حالی که ممکن است خود آنان از طریق «گرو» ازدواج کرده باشند!). هنگامی که به گذشته روستا می‌نگریم، شاهد وقوع ازدواج‌های نامتعارف، با اشکال دیگری نیز هستیم.

مثلاً دزدیدن دختر توسط یک پسر یا فرار یک تازه عروس از خانه داماد و رفتن به خانه مردی دیگر و یا زندگی دختر در خانه فرد مورد علاقه و ... ولی تفاوت آن‌ها با ازدواج فرارگونه در این است که این ازدواج‌ها ی نامتعارف به ندرت اتفاق می‌افتاده است و هیچ‌گونه رواج و گسترش عام به خود ندیده است، در نتیجه نمی‌توان این پدیده‌ها را به عنوان یک پدیده (مسأله) اجتماعی در نظر گرفت.

به عکس، الگوی ازدواج فرارگونه (گرو)، دارای این ویژگی‌های جامعه‌شناختی است و رواج عام داشته و مشکلاتی نیز برای مردم روستا به وجود آورده است.

به بیانی دیگر می‌توان «گرو» را هم چون پدیده اجتماعی در نظر گرفت که بطور طبیعی با ویژگی‌های تفکر و بینش مدرن همخوانی بسیاری دارد و انتظار می‌رود با پیشرفت و اشاعه تفکر مدرن در بین جوانان این روستا، این پدیده گسترش یابد، اما جالب این که وقوع گرو در بین دانشگاهیان - به عنوان کسانی که با تفکر مدرن آشنایی بیشتری دارند - به دلایلی نظیر ملاحظه نظارت‌های اجتماعی شدید در روستا (حیثیت، انتظار

رفتار عاقلانه روستاییان از افراد تحصیل کرده و ارجحیت رفتار عقلانی نزد تحصیل کردگان) نادر و چه بسا نایاب است.

نظریات نوسازی که از سوی آنتونی گیدنز مطرح شده است و نظریات نوگرایی و جهانی‌شدن این گونه استدلال می‌کنند که در دنیای امروزی همراه با گسترش مدرنیته اشکال خانواده و ازدواج نیز دچار تغییراتی شده است. به طوری که الگوی غالب خانواده بر خلاف دوران سنتی که خانواده گسترده بود، تبدیل به خانواده هسته‌ای شده است، انتخاب همسر با آزادی بیشتری از سوی دختران و پسران صورت می‌گیرد و نقش خانواده در انتخاب همسر برای فرزندان بر خلاف دوران سنتی بسیار کمرنگ شده است، اگر در دوران قدیم، انتخاب همسر و ازدواج در خدمت اهداف خانوادگی بود و والدین بر اساس منافع خانوادگی و جمعی برای فرزندان همسر می‌گزینند، در حال حاضر عشق رمانتیک و علاقه شدید دو جانبه در انتخاب شریک زندگی از سوی دختران و پسران تأکید می‌شود و آنها خواهان انتخاب شخصی همسر هستند. این نظریات دوران جدید را دوران جداشدن فرد از سیطره‌ی عقاید جمعی و رواج نوعی فردگرایی در زندگی و انجام اعمال و کنش‌ها می‌دانند (گیدنز، ۱۳۸۷).

در روستای گرو نیز در بحث ازدواج فرار گونه ما شاهد رواج فردگرایی در میان اعضای نسل سوم هستیم، به طوری که آنها بدون در نظر گرفتن خانواده و والدین، اقدام به انتخاب همسر و ازدواج می‌کنند و برای آنها در این انتخاب هیچ گونه نقشی قائل نمی‌شوند.

به طور کلی می‌توان گفت ارتباط با شهر و آن هم حضور در مراکز که مظهر عشق رمانتیک نوجوانان و جوانان شهری است، نگرش نوجوانان و جوانان روستای گرو را نظام مند کرده و نگرش آنها را نسبت به زندگی، ارتباط با جنس مخالف، ازدواج، همسرگزینی و ... تغییر می‌دهد.

این نوجوانان و جوانان هنگام بازگشت به روستا، در صددند تا همان الگوی برگرفته از شهر، مخصوصاً در مورد ارتباط با جنس مخالف را در محیط روستا نیز ادامه دهند. ولی چون ساختار روستا این اجازه را به آنها نمی‌دهد. تأکید و اصرار نوجوانان و جوانان بر پیاده کردن الگوهای روابط شهری، ازدواج فرارگونه را به وجود می‌آورد. این نتیجه را می‌توان با نظریه مدرنیزاسیون در رابطه دانست، چرا که این نظریات شهرنشینی و ارتباط با مراکز شهری را در تغییر الگوهای ازدواج و نحوه‌ی انتخاب همسر مؤثر می‌دانند.

نظریه ایده‌آلیسم توسعه نیز بر این نکته تأکید می‌کند که رواج الگوهای ازدواج و همسرگزینی غربی در سراسر نقاط جهان، ارزش‌های جدیدی را همچون فردگرایی، انتخاب همسر بر اساس عشق و علاقه و رواج خانواده هسته‌ای و ... را ایجاد کرده است که این امر الگوهای فرهنگی قومی را کم‌کم از میان برداشته و الگوهای ازدواج و همسرگزینی را به سمت یک مدل یکسان پیش می‌برد. هم چنین نتایج پژوهش‌هایی چند مانند عباس شوازی و همکار (۱۳۸۴)، کاظمی و همکار (۱۳۸۷)، عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۶)، نیک پرور

و همکاران (۱۳۹۰) و ... که ارتباط با شهر را در تغییرات ایده‌ای و نگرشی مؤثر می‌دانند و الگوهای ازدواج و همسرگزینی را تحت تأثیر فرایندهای مدرنیزاسیون در حال تغییر می‌بینند با این نتیجه که ما به آن رسیده ایم هم خوانی دارد. جدای از مباحث مطرح شده در بالا که به عنوان عوامل مؤثر بر ظهور و رواج الگوی «گرو» مورد تبیین قرار گرفتند، موضوعات دیگری نیز درباره این پدیده قابل طرح است: اگر بخواهیم پدیده «گرو» را به عنوان محصولی از گسترش مدرنیته و اشاعه ارزش‌ها و ایده‌ها ل‌های جدید در مورد خانواده و ازدواج در نظر بگیریم، باید گفت که بر خلاف استدلال این نظریات که سن ازدواج را روبه بالا مطرح می‌کنند، در روستای گرو، پدیده «گرو» به عنوان نوعی الگوی ازدواج جالب از سوی دختران و پسرانی کم سن و سال و اکثراً دانش‌آموز رخ می‌دهد. همان‌طور که اشاره شد، تاکنون در روستای گرو شاهد ازدواج به روش «گرو» از طرف یک فرد دانشگاه‌رفته چه پسر چه دختر نبوده‌ایم.

علاوه بر موارد ذکر شده در سطور بالا، می‌توان متغیر سن را بر الگوی «گرو» مؤثر دانست و سن را به عنوان یکی از عوامل مهم در بروز «گرو» قلمداد کرد؛ چرا که اگر همین دختران و پسران در این سنین نتوانند یا اقدام به «گرو» ازدواج کنند، مانند دیگر دختران و پسران دانشگاه‌رفته، دیگر حتی به این اقدام فکر هم نخواهند کرد.

اکثر ازدواج‌های فرارگونه در روستای گرو در زمان خاصی اتفاق می‌افتند. طبق گفته‌های مشارکت‌کنندگان و تحلیل مصاحبه‌ها، تعداد بسیار زیادی از کسانی که قصد ازدواج فرارگونه را دارند، در فصل تابستان و در اوج زمان‌های برگزاری مراسم عروسی (طی‌ها) اقدام به این عمل می‌کنند و یا در همین زمان تصمیم به فرار می‌گیرند.

پس می‌توان زمانی خاص در روستا و جو ویژه‌ای که منبعث از آن است را در وقوع ازدواج‌های فرارگونه در نظر گرفت. در پایان می‌توان این‌گونه عنوان کرد که برخی را عقیده بر این است، ازدواج فرارگونه در روستای گرو تبدیل به یک رسم شده و قبح آن از بین رفته و این پدیده در چشم مردمان این روستا طبیعی جلوه می‌کند.

ظاهراً نتایج تحقیق نشان از آن دارد که در مورد این پدیده، وجدان جمعی جامعه نه تنها آن را محکوم نمی‌کند، بلکه از آن و انجامش اظهار خشنودی کرده و از آن طرفداری می‌کنند و با شور و شوق خاصی در فرایند انجام آن شرکت می‌نمایند.

گرچه هنوز در برخی موارد در روستای «گرو» به عنوان نوعی انحراف در نظر گرفته می‌شود، موجبات خجالت و شرمساری خانواده و خویشاوندان دختر است، پسر و خانواده‌ی او را در مظان اتهام قرار می‌دهد، ارتباطات خانوادگی و مهر و محبت‌ها را از هم می‌پاشد.

البته می‌توان گفت به دلیل تکرار بیش از حد این الگوی ازدواج و کنار آمدن خیلی از خانواده‌ها با این مسأله، هم از ترس از این نوع ازدواج برای دخترها و پسرها کاسته شده است و هم خانواده‌ها راحت‌تر با آن کنار می‌آیند و هم این که شنیدن خبر فرار دختر و پسری، اهالی روستا را مانند قبل تعجب زده نمی‌کند. از تحلیل مصاحباتی که با خود دختران و پسران فرارگونه ازدواج کرده انجام شد این گونه استنباط می‌شود که اکثریت آنها از اوضاع فعلی خودشان رضایت زیادی ندارند؛ البته این عدم رضایت ناشی از نوع ازدواج نیست بلکه عنوان می‌کنند که زود خودشان را به دام زندگی و زن و بچه گرفتار کرده‌اند و از جوانی و مجردی شان استفاده‌ی کافی را نبرده‌اند.

مشکل بزرگ دیگری که این زوج‌های «گرو» بیان می‌کنند، سرد بودن رابطه‌ی آنها با والدین و مخصوصاً با خانواده‌های خواهران و برادرانشان است. آنان می‌گویند نه خودشان می‌توانند به راحتی از خویشاوندان نزدیک طلب کمک در هنگام گرفتاری کنند و نه خویشاوندان آن‌گونه که باید به آنها توجه می‌نمایند و این مسأله نوعی احساس تنهایی و بی‌کسی را برای این زوج‌ها به وجود می‌آورد. بسیاری از این زوج‌ها «گرو» اشاره می‌کنند که به هیچ وجه زندگی واقعی شبیه آنچه که آنها تصور می‌کردند نیست.

زن‌بودن و شوهربودن، پدربودن و مادر بودن، مسؤولیت‌های بسیار سنگینی را می‌طلبد که انجام درست این مسؤولیت‌ها برای زنان و مردان کم سن و سال و بی‌درآمدی چون آنها بسیار دشوار است. همه‌ی این زوج‌ها، به علت نداشتن آگاهی کافی، بلافاصله صاحب فرزند شده‌اند و از طرفی نداشتن آمادگی برای نقش‌های پدری و مادری تأثیرات منفی و مخربی بر رشد و تربیت کودکان آنان داشته است.

فهرست منابع

۱. آزادارمکی، تقی، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، انتشارات سمت، تهران.
۲. احمدی، حبیب، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات سمت، تهران.
۳. اعزازی، شهلا، (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
۴. استراوس، انسلم و کربین، جولیت، (۱۳۹۱)، مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، مترجم (ابراهیم افشار)، نشرنی، تهران.
۵. حریری، نجلا، (۱۳۸۵)، «اصول و روش‌های پژوهش کیفی»، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

۶. دل‌آور، مریم سادات و حبیب احمدی، (۱۳۹۱)، رابطه استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر میزان ارتباط با جنس مخالف، دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال نهم، شماره ۲، صص ۲۴-۱.
۷. دوچ، مورتون و کراوس، روبرت.م، (۱۳۸۶)، نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی، مترجم: مرتضی کتبی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهارم.
۸. ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، نشر علمی، تهران.
۹. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، تهران، چاپ یازدهم.
۱۰. عباس شوازی، جلال و صادقی، رسول (۱۳۸۴)، « قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، مجله پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱ صص ۴۷-۲۵.
۱۱. عباسی شوازی، جلال و ترابی، فاطمه، (۱۳۸۵)، «تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴، صص ۱۴۶-۱۱۹.
۱۲. عسکری ندوشن، عباس، عباسی شوازی، جلال و صادقی، رسول، (۱۳۸۸)، مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)، فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۳۶-۷.
۱۳. فلیک، اووه، (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، مترجم (هادی جلیلی)، نشرنی، تهران.
۱۴. کاظمی، زهرا و صغری نیازی، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج (مطالعه موردی شهر شیراز)، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال یازدهم، شماره ۲.
۱۵. کریمی، یوسف، (۱۳۸۸)، روان‌شناسی اجتماعی، نشر ارسباران، تهران.
۱۶. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، مترجم (منوچهر صبوری)، نشرنی، تهران.
۱۷. نیک‌پرور، فاطمه، لیلی پناغی و علی مظاهری، (۱۳۹۰)، «تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل: ارائه یک مدل زمینه‌ای مقدماتی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۲۰۵-۱۸۷.

18-Benolil,J.Q. (1996). Grounded theory and nursing knowledge. *Qualitative Health Research*, 6(3),406-428.

19-Charmaz,K.(2006).*Grounding grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. London: Sage publication.

20-Depoy,E.& Giltinm,L.(2005). *Introduction to research: Understanding and applying multiple strategies*(3 ed). St.louis: mosby press.

-
- 21-Gubrium.J.,& Holstein, J. (2010). *Handbook of interview research*. London: Sage Publications.
- 22-Glaser,B.(1998).*Doing grounded theory: Issues and discussions*. California: Sociology press.
- 23-Hutchinson, S.A.(1993). *Grounded theory: The method*. In P.L Munhall(Ed), *Nursing research, a qualitative perspective* (pp. 235-237). New York: national league for nursing press.